بسم الله الرحمن الرحيم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسئله تقلید (مرجعیت شورایی)

# اشاره

بحث در مورد سومین دلیل شور در فتوا یا مراجعه به اکثر همراه با امکان استدلال بود، آیه شریفه 18 سوره مبارکه زُمر «**فَبَشِّرْ عِبادِ الَّذينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولئِكَ الَّذينَ هَداهُمُ اللَّهُ وَ أُولئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبابِ**»، در این آیه به ترتیب مفردات آیه بحث‌هایی را مطرح کردیم.

نکته‌ای که در ترتب اتباع بر استماع هست، این است که؛ این ترتب یک حلقه واسطه‌ای هم دارد که، به خاطر وضوح در آیه ذکر نشده است، حلقه واسطه این هست که؛ «یستمع القول و یختار و یتبع»، وقتی‌که انسان چند مطلب را بشنود و بعد دنبال بهتر برود، معنایش این هست که؛ بین این دو، انتخاب بهتر انجام‌شده است، بهترین ملاک‌های اعمال‌شده را انتخاب کرده است، الآن هم دنباله‌روی از آن انتخاب بهترین را می‌کند، بعد که «**یتبعون احسنه**» آمده است، مفید مرحله واسطی است، نیاز به ذکر آن واسط نیست، «**احسنه**» که آمده، به دلالت التزامیه می‌رساند که اینجا یک مرحله‌ای افتاده است، به همان دلالت التزامیه «**احسنه**» در آیه شریفه اکتفا شده.

درواقع روح آیه این هست که؛ «یستمعون القول و یختارون احسنه و یتبعون»، «یختارون احسنه» حذف‌شده، برای اینکه مدلول التزامی «**احسنه**» بوده است.

## مفرد هفتم: «یتبعون»

واژه هفتم در آیه؛ «**یتبعون**» هست، تبعه به معنای این است که؛ چیزی پشت سر چیز دیگر قرار بگیرد، این دنباله قرار گرفتن و دنباله دیگر آمدن، گاهی دنباله‌روی؛ پیوستگی فیزیکی هست و گاهی هم، اتباع عملی غیر فیزیکی است که پیروی اطاعت می‌باشد، لذا اتباع به معنای اطاعت است، به معنای اینکه از دیگری پیروی بکند، حرفی را پیروی بکند، حرفی را در عمل اجرا بکند، در آیه به معنای اجرا کردن آن سخن و قول است.

### دو احتمال در واژه اتباع

 شما دو احتمال در باب اتباع اینجا می‌توانید مطرح بکنید:

 1 ـ مقصود از این اتباع، پیروی در عمل هست، اتباع یک رأی یا نظر که در عمل او اجرا بشود.

اگر این معنا را بگیریم، اتباع محدود به حوزه عملی و رفتاری می‌شود.

2 ـ اتباع به معنای پیروی در عمل هست، عمل در اینجا عام هست، اعم از رفتار خارجی یا اعتقاد یا اوصاف نفسانی است، پس «**یتبعون**» معنای مطلقی دارد که با اطلاق قول سازگار است، شاهد مطلق بودن اتباع این هست که اتباع اعم هست، ضمن اینکه مورد آیه؛ قدر متیقنش، بحث‌های اعتقادی هست، برای اینکه آیات قبل می‌گفت؛ دو گروه هستند؛ مؤمن و غیر مؤمن و بعد می‌گوید، آن‌هایی که دنبال قول حق بروند، این‌ها رستگار هستند، در یتبعون نکته‌ای نیست که بخواهد قول را مقید بکند.

## مفرد هشتم: کلمه «احسن»

مفرده هشتم احسن هست، احسن افعل تفضیل هست، افعل تفضیل هم مفهومش مقایسه دو چیزی هست که هر دو واجد آن ماده هستند، یکی از دیگری بهتر است، برتری یکی نسبت به چیز دیگری که هر دو دارای آن وصف مشترک هستند، اما این یکی نسبت، به آن دیگری، وصف مشترک را بیشتر دارد.

گاهی هست این صیغه افعل تفضیل در مقام اولویت یا فزونی و برتری بکار نمی‌رود، بلکه در مقام تعیین بکار می‌رود، وقتی‌که می‌گوید: «**النَّبِيُّ أَوْلي بِالْمُؤْمِنينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ**»[[1]](#footnote-1)، اولی یعنی ولایت دارد.

 افعل تفضیل در قرآن دو یا سه نوع کاربرد دارد، احسن که اینجا ذکرشده در استعمالات قرآنی، دو یا سه نوع کاربرد دارد.

### سه کاربرد واژه «احسن»

واژه احسن سه کاربرد می‌تواند داشته باشد:

 1 ـ کاربرد افعل تفضیلی نسبی است، در آیات متعدد فرمودند: «[**وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما کانُوا يَعْمَلُونَ**](http://tadabbor.org/?page=quran&SID=16&AID=97)»[[2]](#footnote-2)، احسن را در معنای نسبی تفاضلی به‌کاربرده است، می‌فرماید: ما اجرشان را بهتر ازآنچه عمل کردند می‌دهیم، زمانی که این اجر با آن عملی که شخص انجام داده مقایسه می‌شود، هر دو زیبا و نیکو هستند، ولی این اجر از نیکویی و زیبایی فزون‌تری برخوردار است، یک آیه دیگر این است که؛ می‌فرمایند: «**وَإِذَا حُيِّيْتُم بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّواْ بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا»**[[3]](#footnote-3)، اگر به شما تحیتی داده شد، بهتر از آن یا مثل آن را شما جواب بدهید.

2 ـ گاهی صیغه افعل تفضیل به کار می‌رود، اما این حالت تفاضلی در آن نیست، یا با یک ملاحظه‌ای می‌گوییم هست، در آیه شریفه می‌فرماید: «**ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَن السَّيِّئَة**»[[4]](#footnote-4)، کسی با شما بد رفتار کرده، شما به‌خوبی به او جواب بدهید، احسن افعل تفضیل به‌اصطلاح تفاضلی نسبی نیست، بخشیدن؛ احسنی هست در برابر توهینی که شخص کرده است، آیه دیگر می‌فرماید: «**لِیبْلُوَکُمْ أَیکُمْ أَحْسَنُ عَمَلاً**»[[5]](#footnote-5)، بهترین نعمت‌ها را دادیم تا ببینیم چه کسی بهترین عمل را انجام می‌دهد، بعید است که بگوییم شامل حَسَن نمی‌شود، حمل این‌ها بر آن افعل تفضیل نسبی، بعید است، در آیه می‌فرماید: «**فیتبعون احسنه**»، شامل خوب و خوب‌تر می‌شود، شامل خوب و بد هم می‌شود، احسن‌هایی که در قسم دوم می‌گوییم، اختصاص ندارد به مقایسه خوب و خوب‌تر، بلکه شامل خوب و بد هم می‌شود. اصل این شمول حالت قطعی است.

در قسم دوم از مواردی که احسن و افعل تفضیل به‌کاررفته و اطمینان داریم که اختصاص به آن حالت تفاضلی ندارد، بلکه مشمول آنجایی هست که مطلق خوب و بد مقابل هم قرار گرفتند، هم آنجایی که خوب و خوب‌تر باشد و هم آنجایی که خوب و بد مقابل هم باشد را در برمی‌گیرد؛ چند وجه دارد:

1 ـ احسن در اینجاها صفت مشبهه است، افعل تفضیل نیست.

2 ـ احسن جامع بین افعل تفضیل و صفت مشبهه هست، این دو احتمال ازنظر ادبی ضعیف است.

3 ـ تصرفی در معنا می‌شود و افعل تفضیل به کار می‌رود، آنجایی هم که مقایسه خوب و بد می‌شود، هر بدی درواقع یک خوبی هم در آن هست، هر کار بدی، از یک منظر کلی، یک حسنی و یک خوبی در آن هست، البته در اینجا قرینه می‌خواهد، بدِ مطلق در جهان نداریم، ازنظر فلسفی می‌گوید شر مطلق در دنیا نیست.

4 ـ «**یتبعون احسنه**»، مدلول مطابقی این، یعنی خوب و خوب‌تر، منتهی یا لفظاً یا به‌طریق‌اولی و به فحوا؛ شامل خوب و بد هم می‌شود.

نهمین نکته که در مفردات این آیه هست این است که؛ آیا در دو جمله بعدی حصر وجود دارد یا ندارد؟ «أُوْلَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُوْلَئِكَ هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ»[[6]](#footnote-6)، جمله اول «اولئک الذین هداهم الله» شاید مفید حصری نباشد، اما در جمله دوم «وَأُوْلَئِكَ هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ»، بنا بر آنچه در معانی و بیان گفته‌شده، اگر مفید حصر باشد که بعید هم نیست، هدایت و صاحب عقل بودن هست، در کسانی که این ویژگی را دارند، این‌ها صاحبان عقل و هدایت‌شدگان هستند، گویا یک مفهومی پیدا می‌کند، یعنی غیر از این‌ها نیستند، اگر این حصر در آیه باشد، یک نتایج و تبعاتی دارد، اما اصل حصر برمی‌گردد به «هُمْ أُوْلُوا الْأَلْبَابِ »، ضمیر فصلی که می‌گویند مفید حصر است.

 دیگری سیاق آیه و تقابل آن دو گروه که قبل بودند و آن دو گروه قبلی این بود که؛ «قُلْ إِنَّ الْخاسِرينَ الَّذينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْليهِمْ»[[7]](#footnote-7) مقابل آن هم «اجْتَنَبُواْ الطَّاغُوتَ أَن یَعْبُدُوهَا وَ أَنَابُواْ إِلَی اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَی»[[8]](#footnote-8)، مرزی بین آن دو گروه نیست، آدم‌ها یا آن‌هایی هستند که گمراه هستند یا به مسیر خداوند تبارک‌وتعالی راه یافتند.

آیه بعد هم می‌گوید: بشارت مال کسانی هست که؛ حرف‌ها را شنیدند و راه درست را انتخاب کردند، سیاق نشان‌دهنده این هست که این‌ها رستگارند، این‌ها از همان گروه دومی هستند که قبل گفته می‌شد، مقابل آن گروه اولی هستند که؛ «لَهُمْ مِنْ فَوْقهمْ ظُلَل مِنْ النَّار وَمِنْ تَحْتهمْ ظُلَل»[[9]](#footnote-9) که مبتلی به عذاب می‌شوند، شاید سیاق هم این‌طور فصلی را برساند.

اگر حصر در آیه را فهمیدیم، نکته نهم تکمیل این است که؛ آیه بعید نیست، مفید حصر باشد و اگر مفید حصر شد؛ بعد مفید الزام است، ولو اینکه گفتیم از «**بشّر**» هیچ الزامی بیرون نمی‌آید.

 وعده ثواب فرق دارد با وعده عقاب، وعده عقاب یعنی حرام، اما وعده ثواب معنایش واجب نیست، اما علی‌رغم اینکه، «**بشّر**» مفید الزام نیست، ولی وجود حصر در آیه که می‌گوید: این‌ها هدایت‌شدگان و صاحبان عقل هستند، یعنی غیر از این‌ها نیستند و تَفَرع این آیه بر آن دوگروهی که یک‌طرفش به بهشت بود و یک‌طرفش عذاب بود، این قرائن در اینجا مفید الزام است.

دلیل مفید بودن الزام آیه یعنی حکم ترجیحی نباشد این است که:

 1 ـ مناسبات حکم و موضوع

 2 ـ حصر در آیه

 وعده ثواب به معنای مطلق مفید رجحان است، ولی با قرائنی می‌تواند؛ مفید وجوب بشود، در آیه «**امرهم شورا بینهم**»، این را گفتیم، منتهی آنجا با یک بیانی و اینجا با یک قرائن و شواهد دیگری.

«**وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ**»[[10]](#footnote-10) توصیف مؤمنین، مفید الزام نیست، ولی آنجا با یک قرائنی می‌گفتیم، بعید نیست که مفید الزام باشد، اینجا هم بشارت به ثواب مفید الزام علی‌الاصول نیست، ولی به خاطر این قرائن خاصه‌ای که در آیه هست، می‌شود بگوییم اینجا آیه مفید وجوب است، ولو اینکه امر و بعثی ندارد، وعده عقابی هم در کار نیست، بلکه وعده ثواب است.

## جمع‌بندی

جمع‌بندی آیه این می‌شود که؛ خداوند تبارک‌وتعالی می‌فرمایند: بندگانی که سخن‌ها را می‌شنوند و خوب یا بهتر آن‌ها را انتخاب می‌کنند، می‌فرمایند: شنیدن سخنان و انتخاب خوب یا بهتر لازم است.

1. - سوره مبارکه احزاب آیه 6 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره مبارکه نحل آیه 97 [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره مبارکه نساء آیه 86 [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره مبارکه فصلت آیه 34 [↑](#footnote-ref-4)
5. - سوره مبارکه ملک آیه 2 [↑](#footnote-ref-5)
6. - سوره مبارکه زُمر آیه 18 [↑](#footnote-ref-6)
7. - سوره مبارکه زُمر آیه 15 [↑](#footnote-ref-7)
8. - سوره مبارکه زُمر آیه 17 [↑](#footnote-ref-8)
9. - سوره مبارکه زُمر آیه 16 [↑](#footnote-ref-9)
10. - سوره مبارکه شورا آیه 38 [↑](#footnote-ref-10)